تسنیم

نقدی بر ادراک سازی برخی جریان های رسانه ای از گفتمان دولت سیزدهم

دولت سیزدهم؛ دولت گفتمان آفرین

ایلیا داوودی
روزنامه‌نگار

یکی از موضوعاتی که در ارتباط با دولت سیزدهم و از همان زمان روی کارآمدن دولت توسط برخی رسانه‌ها مطرح می‌شود، مسأله ابهام در گفتمان دولت یا مشخص نبودن دال‌های گفتمانی آن است. این ادعا در طول ماه‌های اخیر هرازچند گاهی توسط رسانه‌های مختلف بیان شده و باوجود آن که بارها هم بدان پاسخ داده شده،اما باز هم تکرار می‌شود. نکته‌ای که در رابطه با دولت سیزدهم طرح می‌شود، آن است که دولت‌های گذشته همگی از گفتمان برخوردار بوده‌اند، اما دولت سیزدهم گفتمان ندارد یا دارای گفتمانی مبهم است. در این مطلب به این موضوع با دقت بیشتری پرداخته خواهد شد و سعی بر آن است تا به مسائلی که در این باره طرح شده، به اختصار پاسخ داده شود.

■ اصل تدریج؛ لازمه شکل گیری گفتمان

یکی از مسائلی که در فهم گفتمان لازم است به آن توجه شود، زمان متعین ساختن گفتمان است. در حقیقت این سؤال مهم است که چه زمانی می‌توان گفت گفتمان یک دولت یا گفتمان یک نهاد سیاسی چیست و از چه مختصاتی برخوردار است. از آنجا که گفتمان پدیده‌ای چندوجهی است و علاوه بر جنبه‌های زبانی، جنبه‌های ارتباطی و کاربردی را در عمل نیز در برمی‌گیرد، باید گفت که گفتمان‌ها معمولاً پس از روی کار آمدن دولت‌ها و پس از گذشت زمان قابل توجهی از روی کار بودن آنها شکل می‌گیرند. این گونه نیست که گفتمان‌ها صرفاً بر اساس سخنرانی‌ها و خطابه‌ها تشخیص داده شوند و دال‌های گفتمانی هم صرفاً کلمات پرتکرار نیستند، بلکه توجه به اقدامات انجام شده و چهارچوب کلی گفتار و اقدام است که یک گفتمان را به تدریج شکل می‌دهد. پرسش اصلی اینجاست کسانی که می‌گویند دولت سیزدهم گفتمان ندارد بر چه اساسی این گفته را اظهار می‌کنند؟ حال آنکه هنوز حتی یک سال هم از عملکرد دولت نگذشته است و نمی‌توان بر اساس این چند ماه قضاوتی صورت داد. جالب آن است که اساساً ادعای گفتمان نداشتن دولت سیزدهم اولین بار درست بعد از روی کار آمدن دولت و در همان ماه‌های اول مطرح شده است یعنی در زمانی که هنوز دولتی به طور کامل مستقر نشده و در حال یافتن آرایش مناسب برای بدنه اجرایی خود است. به نظر می‌رسد این ادعاها صرفاً پیش‌برنده مقاصد سیاسی مدعیان آنها بوده است تا آن که توصیفی از شرایط واقعی بوده باشد. سوءتفاهم دیگری که درباره گفتمان دولت‌ها وجود دارد، تصور مکانیکی از آنها است. اغلب تصور بر این است که هر زمان که دولت‌ها روی کار بیایند، گفتمانی روی کار آمده و هر زمان که دولت‌ها به کنار بروند، گفتمان آنها به کنار رفته است. چنین مواجهه مکانیکی با مفهوم گفتمان بسیار اشتباه است و اساساً نسبتی با مفهوم واقعی گفتمان و مفهوم علمی آن ندارد. گفتمان‌ها چیزهایی نیستند که بتوان به یکباره یا به سادگی آنها را به وجود آورد یا از میان برد.

■ گفتمان‌ها همان شعارها نیستند!

یکی دیگر از ادعاهایی که مطرح می‌شود آن است که دولت‌های قبلی همگی دارای گفتمان بوده‌اند و دولت سیزدهم تنها دولتی است که گفتمان نداشته است. این ادعا از چند جنبه قابل تأمل است؛ اول آنکه دولت‌های قبلی پس از روی کار آمدن و به تدریج گفتمان خود را شکل داده‌اند و این گونه نبوده که از بدو استقرار گفتمان داشته باشند، بلکه آنها هنگام روی کار آمدن صرفاً شعارهایی داشته‌اند و سعی کرده‌اند که آن شعارها را در گفتار و اقدام خود تکرار کنند. اگر ما امروز از گفتمان دولت‌های قبلی سخن می‌گوییم به این خاطر است که آنها روی کار بوده‌اند و کارنامه روشنی دارند. در حقیقت یکی از سوءتفاهم‌های به وجود آمده درباره گفتمان آن است که شعارهای دولت‌های گذشته به جای گفتمان آنها جا زده شده است. در ایران عموماً شعار با گفتمان اشتباه گرفته می‌شود و بویژه برخی خبرنگاران و کسانی که به طور علمی و عمیق به موضوعات نمی‌پردازند و صرفاً تحلیل‌های سیاسی روز ارائه می‌دهند، عمدتاً دچار این خطا می‌شوند. پرسش اینجاست که آیا توصیف‌هایی مانند اصلاحات، سازندگی، اعتدال، تدبیر و امید و مهرورزی از همان ابتدا به مثابه گفتمان دولت‌های نماینده آنها بوده‌اند؟ آنچه باعث شده این شعارها به جای گفتمان دولت‌ها فهم شوند، آن است که پژوهشگران و تحلیلگران همواره نیاز داشته‌اند تا هر دولت را با صفاتی معین یاد کنند. بنابراین ساده‌ترین کار آن بوده که شعارهای انتخاباتی آنها را به جای گفتمان آنها به کار برند. اما مواجهه اصولی تشخیص گفتمان آفرینی واقعی دولت‌ها و مختصات آن نیاز به مطالعه پژوهشی دارد؛ مطالعه‌ای که اولاً دال‌های گفتمانی را بر اساس تمام آثار دولت‌ها اعم از گفتار، نوشتار و اقدامات انجام شده کشف کند و ثانیاً راستی آزمایی میان شعارها و آنچه گفتمان دولت خوانده می‌شود را بررسی کند. اینکه دولت‌هایی مدعی بوده‌اند که گفتمان‌هایی خاص داشته‌اند به تنهایی کافی نیست تا این نتیجه گرفته شود که آنها گفتمان داشته‌اند، بلکه باید بین ادعای آنها و کارنامه عملکردشان تطابق صورت گیرد.

■ شبه گفتمان‌های ناکارآمد

یکی از چالش‌هایی که دولت سیزدهم با آن مواجه است، انباشتی از شبه گفتمان‌های ناکارآمد مربوط به دولت‌های گذشته است. انباشت گفتمان‌های ناکارآمد دولت‌های گذشته سبب شده تا گفتمان‌های جدید به سختی جای خود را باز کنند و به سادگی مورد پذیرش قرار نگیرند. زیرا اساساً کلیت مفهوم گفتمان رنگ باخته است. همچنین ناکارآمدی‌های دولت‌های گذشته سبب شده تا گفتمان‌ها دیگر کارایی خود را از دست بدهند و اولویت‌بندی مسائل برای دولت جدید متفاوت باشد. پرسش راهگشا برای فهم این موضوع آن است که آیا برای نمونه گفتمان در دوره تمام دولت‌های قبلی و در دوره دولت سیزدهم به یک اندازه از نیاز و ضرورت و کارایی برخوردار بوده است؟ به نظر می‌رسد وضعیتی که در حال حاضر دولت سیزدهم در آن قرار دارد، شبیه به وضعیت اضطراری است؛ یعنی دولت به صورت میدانی به اقداماتی کوتاه مدت و تسکین دهنده برای عبور از وضعیت اضطراری بپردازد و پس از آن به اقدامات بلند مدت روی آورد که پرداختن به گفتمان‌سازی و تقویت دال‌های گفتمانی نیز از این جمله است. آنچه در حال حاضر مشاهده می‌شود معناباختگی مقوله گفتمان در عرصه سیاست اجرایی ایران است. دولت سیزدهم با کلمات و مفاهیمی سروکار دارد که اغلب آنها توسط دولت‌های گذشته به فراوانی تکرار شده‌اند و در کنار ناکارآمدی‌های فراوانی که آن دولت‌ها داشته‌اند، این مفاهیم معنای خود را از دست داده و برای جامعه رنگ باخته‌اند. روشن است که در چنین شرایطی هر گفتمانی که روی کار بیاید، به سختی می‌تواند جای خود را در میان جامعه باز کند. انباشت ناکارآمدی گفتمان‌ها از یک سو باعث بی‌اعتمادی جامعه به کلیت مقوله گفتمان شده و از سوی دیگر به نوعی تلاقی گفتمانی انجامیده است. به این معنا که گفتمان‌های پیشین در ذهنیت جامعه تأثیر گذاشته و مرزهای گفتمان‌ها را غیرشفاف کرده‌اند. بر این اساس کشور چهار یا هشت سال توسط رویکردهای مشخص دولت‌های وقت روی کار بوده و آنها سعی کرده‌اند شبه گفتمان‌های خود را به پیش ببرند، بنابراین حال نمی‌توان به سادگی انتظار داشت که گفتمان بعدی بتواند جای خود را به سادگی در افهام باز کند.

■ چه کسی گفتمان را می‌سازد؟

نکته دیگر آن است که زمانی که از داشتن یا نداشتن گفتمان سخن می‌گوییم آیا منظورمان تنها گفتمان شخص رئیس‌جمهور است یا گفتمان نهاد دولت؟ یعنی آیا ما از رئیس‌جمهور انتظار داریم که گفتمان دولت را بسازد یا از نهادهای دولت انتظار داریم که با گفتار و عملکرد خود گفتمان دولت را شکل دهند؟ در صورتی که مورد اول باشد، اصلاً نمی‌توان از آن با عنوان گفتمان‌سازی یاد کرد زیرا گفتمان توسط یک شخص به وجود نمی‌آید، اگرچه اشخاص به فراخور جایگاهی که از نظر در اختیار داشتن قدرت و اثرگذاری دارند، می‌توانند در تقویت و ترویج گفتمان‌ها مؤثر باشند، اما اساساً گفتمان‌سازی امری فردی نیست و در صورتی هم که از نهادهای دولت انتظار داشته باشیم که گفتمانی را ترویج کنند، این امر نیازمند برنامه‌ریزی و انسجام است و نمی‌توان در مدت کوتاه چند ماهه انتظار گفتمان‌سازی از بدنه اجرایی دولت را که به مرور زمان در این چند دهه بسیار عظیم هم شده است، داشت. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی کسانی که واژه گفتمان را در ایران و در نسبت با مسائل سیاسی بویژه دولت‌ها به کار می‌گیرند، چند دسته هستند؛ اول محققان آکادمیک، دوم روزنامه نگاران، سوم فعالان سیاسی و چهارم عموم افراد. هرکدام از این دسته افراد هم معنای مشخصی از گفتمان را مدنظر دارند که جز دسته اول یعنی محققان آکادمیک که به واسطه ماهیت کار علمی، قبل از بحث درباره واژه، معنا و مفهوم مورد نظر خود را به روشنی توضیح می‌دهند، سایر افراد چندان توجهی به این موضوع ندارند و معنای این واژه را به طور پیشفرض بدیهی و روشن در نظر می‌گیرند. دولت سیزدهم برخلاف دولت‌های پیشین چندان به عرصه رسانه اکتفا نکرده و سعی دارد با اقدامات میدانی مسیر فعالیت‌های خود را به پیش برد. شاید هم به همین خاطر است که عده‌ای دولت را متهم به نداشتن گفتمان می‌کنند، زیرا دولت سیزدهم برخلاف دولت‌های قبلی به جای محدود ساختن خود به رسانه و بازنمایی تصاویر رسانه‌ای خوشایند، در میانه میدان عمل قرار گرفته است و فرصت چندانی برای اشتغال به امور رسانه‌ای در خود نمی‌بیند. این انتظار که از دولت بخواهیم گفتمان خود را معرفی کند و سپس برخی در پاسخ آن یک جمله یا عبارت را به‌عنوان گفتمان معرفی کنند، مواجهه‌ای اصولی نیست. به نظر می‌رسد هنوز زود است که پای بحث‌های گفتمانی دولت سیزدهم به عرصه تحلیل مسائل دولت باز شود یا اینکه از برخی اقدامات دولت در همین مدت کوتاه چند ماهه بخواهیم قضاوتی درباره گفتمان دولت صورت دهیم، امری نابجا و نادرست است. نکته دیگری که درباره گفتمان‌سازی مطرح است آن است که جامعه در این شرایط کنونی با دهه‌های قبل متفاوت است، مشخص نیست کسانی که از گفتمان سخن می‌گویند، دقیقاً چه چیزی را مدنظر دارند. آیا اساساً کارکرد دولت گفتمان‌سازی است؟ آیا گفتمان‌ها به‌عنوان امری پیشینی ساخته می‌شوند یا به‌عنوان امری پسینی شکل می‌گیرند؟ افزون بر این، با آسیب یکجانبه‌نگری و تک بعدی بودن گفتمان‌ها چه باید کرد؟ این مباحث از مهم‌ترین مباحثی است که مدعیان گفتمان نداشتن دولت سیزدهم به آن پاسخی نداده و نمی‌دهند. همچنین این دسته از افراد مشخص نمی‌کنند که نسبت گفتمان کلان حاکمیت با خرده گفتمان‌هایی نظیر گفتمان دولت یا گفتمان‌های اجتماعی چه مختصاتی دارد؟ یکی از نقدهایی که به دولت‌های گذشته وارد می‌شده، آن بوده که یا گفتمان اصلی حاکمیت را فهم نکرده‌اند و یا در راستای آن گام‌های مؤثری برنداشته‌اند. حال که دولت سیزدهم سعی دارد در این مسیر قدم بردارد، باز این ادعا ابراز می‌شود که دولت نباید همراستا با گفتمان حاکمیت عمل کند و باید گفتمان مستقل خود را داشته باشد. این تناقضات و سایر تناقضات از این دست باعث می‌شود تا این ادعای رسانه‌ای که دولت سیزدهم گفتمان ندارد، از اعتبار چندانی برخوردار نباشد.

> سوءتفاهم دیگری که درباره گفتمان دولت ها وجود دارد، تصور مکانیکی از آنها است، اغلب تصور بر این است که هر زمان که دولت ها روی کار بیایند، گفتمانی روی کار آمده و هر زمان که دولت‌ها به کنار بروند، گفتمان آنها به کنار رفته است. چنین مواجهه مکانیکی با مفهوم گفتمان بسیار اشتباه است و اساساً نسبتی با مفهوم واقعی گفتمان و مفهوم علمی آن ندارد. گفتمان‌ها چیزهایی نیستند که بتوان به یکباره یا به سادگی آنها را به وجود آورد یا از میان برد

پی نکته‌هایی بر مفهوم گفتمان در سپهر سیاسی ایران

برخی دولت‌ها شعارشان را به جای گفتمان جامی زدند!

محمود نویدی
روزنامه نگار

اصطلاح «گفتمان»، امروزه به واژه‌ای رایج در انواع رشته‌ها و حوزه‌ها بدل شده است، تا حدی که صرفاً یکی از واژه‌های رایج در حیطه فهم همگانی است. مشکل این است که معانی عمومی‌تر واژه و کاربردهای نظری آن به هم گره خورده‌اند و این واژه بارها مورد استفاده افراد زیادی قرار می‌گیرد بی‌آنکه معنا و مفهوم و کاربرد آن بدرستی درک شده باشد. اساساً واژه گفتمان تاریخ نظری پر فراز و نشیبی داشته و نظریه‌پردازان مختلف معانی و مفاهیم مختلفی از آن را به کار برده‌اند، بنابراین باید توجه داشت که این کلمه معنای واحدی ندارد و نمی‌توان به سادگی و به تکرار آن را به کار گرفت مگر اینکه یک توافق بین الاذهانی پررنگ و مشخص روی آن وجود داشته باشد. به لحاظ پیشینه، باید گفت که دهه ۱۹۵۰ عصر ظهور اصطلاح گفتمان در گستره علوم مختلف اجتماعی و انسانی بود. این مفهوم در کمتر از دو دهه حضوری مداوم و عمیق در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی و ارتباطی یافت. تحلیل‌های جامعه‌شناختی از این مفهوم که ظاهراً برای اولین بار در مقاله تحلیل گفتمان نوشته زلیک هریس، زبان‌شناس معروف فرانسوی به کار رفته بود، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ وارد عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی، روانکاوی، فلسفه، نظریه سیاسی، نظریه اجتماعی و نظریه فرهنگی شد. البته قابل ذکر است که گفتمان در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه خود، اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند معروف فرانسوی «امیل بنونیست» به کار گرفته شد و رواج یافت. از جمله افراد دیگری که در عرصه تعریف و تبیین این اصطلاح وجود دارند می‌توان به این موارد اشاره کرد: مایکل مان که با نگاهی جامعه‌شناختی به تعریف گفتمان پرداخته است، دایان مک دانل، دانشمند علوم اجتماعی و زبان‌شناس معروف، میشل فوکو، مایکل استابز، ولنتین ولوشینف زبان‌شناس معروف روسی، ارنستو لاکلاو و شانتال موفی از متفکران پساساختارگرای ساکن در انگلستان و تئون ون‌دایک. واژه گفتمان معانی بسیار متعدد و متفاوتی دارد و در حوزه‌های مختلف نیز کاربرد یافته است. مفهوم گفتمان در نظریه‌های معاصر به یکی از پیچیده‌ترین و بحث برانگیزترین مسائل تبدیل شده است؛ تئون ون‌دایک آن را در کنار مفاهیمی مانند زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، برمی‌شمارد و معتقد است همانطور که نمی‌توان درخصوص این کلمات تعریف مشخص و دقیقی ارائه داد، درباره گفتمان نیز نمی‌توان آن را متعین ساخت. ارنست لاکلاو و شانتال موفی، گفتمان را مجموعه‌ای معنی دار از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی تعریف می‌کنند. در نزد آنان گفتمان صرفاً ترکیبی از گفتار و نوشتار نبوده بلکه این دو خود اجزای درونی کلیت گفتمان فرض می‌شوند و گفتمان هم دربرگیرنده بعد مادی و هم مزین به بعد نظری است. گفتمان در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آنها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی یا با ارجاع به متغیرهای دیگری بیان کرد؛ که در مشخص کردن بسترهای بافت موضوعی پاره‌گفتار به‌کار می‌روند. بنابراین می‌توان گفت بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب یا گزاره و قضیه تعیین‌کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به‌شمار می‌روند.

■ کاربرد گفتمان در عرصه سیاست ایران

به نظر می‌رسد که کاربرد گفتمان بویژه در ایران پس از پیروزی انقلاب که سیاست از پشتوانه نظری مشخصی برخوردار است، نمود پررنگی یافته اما معنای این واژه چندان دقیق و متعین نبوده است. با وجود اختلاف‌نظرهای فراوانی که در تعریف کلمه گفتمان وجود دارد، به نظر می‌رسد که به کارگیری این واژه در ایران عمدتاً ناظر به تحلیل متن بوده است و متن در اینجا صرفاً متن مکتوب نیست؛ بلکه چهارچوب‌های متنی همچون گفتار، نوشتار و خطابه‌ها که در ایران پس از انقلاب موضوعیت داشته‌اند را دربرمی‌گیرد. بنابراین تجلی معانی و مفاهیم مشخص در انواع متون ذکر شده که در یک فرایند ارتباطی شکل می‌گیرند و از انسجام معینی برخوردار می‌شوند، در یک فرایند غیررسمی در ایران گفتمان نامیده می‌شوند. به بیان ساده‌تر، اگر متن یک محصول مادی و دیداری است، گفتمان یک فرایند ارتباطی و شنیداری محسوب می‌شود و اصولاً مفهوم گفتمان به‌شکل جدی با زبان و ساختارهای زبانی و فرازبانی عجین است. پس گفتمان اولاً بر مبنای متن یا متون مشخص شکل می‌گیرد و ثانیاً باید در یک فرایند ارتباطی مورد فهم واقع شود. تحلیل‌های گفتمانی در سیاست ایران بیش از هر کشور دیگری برجسته است و این احتمالاً به چند دلیل است؛ اول آنکه جامعه ایران اساساً جامعه‌ای فرهنگی است و آثار غنی فرهنگی و ادبی از دیرباز تاکنون به غنای فرهنگی جامعه و شیوه مواجهه فرهنگی آن با مسائل، شدت بخشیده است. بنابراین «معنا» و«مفهوم» کنش‌ها برای جامعه ایران موضوعیت دارد و این امر بویژه در ارتباط با کنش‌های سیاسی بسیار برجسته‌تر است؛ زیرا کنش‌های سیاسی اولاً فراوان‌تر اتفاق می‌افتند و ثانیاً بخش‌های بیشتری از جامعه را درگیر خود می‌سازند. همچنین وجوه ارتباطی در کنش‌های سیاسی پررنگ است و این ارتباطات میان حکمرانان-مردم، حکمرانان-نخبگان، حکمرانان-حکمرانان، نخبگان-مردم، نخبگان-نخبگان و مردم-مردم صورت می‌گیرد.

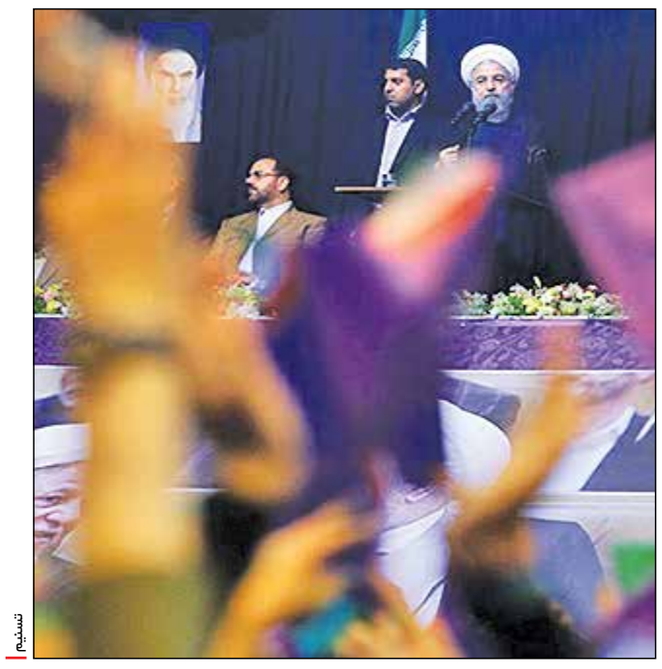
تسنیم

در ایران پس از انقلاب بتدریج با رونق گرفتن عرصه علم و انجام پژوهش‌های متعدد و همچنین ترجمه نظریه‌ها و آثار مربوط به تحلیل گفتمان، این موضوع مورد توجه نویسندگان، کارشناسان و تحلیلگران قرار گرفت. تحلیل گفتمانی دولت‌ها، اندیشه‌ها و خطابه‌های سیاستمداران نیز به‌عنوان یکی از شاخه‌های تحلیلی سیاست مورد پرداخت قرار گرفت. نکته قابل توجه آن است که تحلیل‌های گفتمانی از مقطع مشخصی به بعد در عرصه سیاست‌پژوهی و سیاست‌اندیشی ایران جای خود را باز کردند، زیرا اساساً گفتمان‌ها در دل زمان شکل می‌گیرند و این گونه نیست که بتوان آنها را دستوری و ناگهانی به وجود آورد. نگاهی به تحلیل‌های گفتمانی انجام شده در ارتباط با دولت‌های روی کار آمده در ایران نشان می‌دهد که این آثار عمدتاً مدت زمان زیادی پس از روی کار آمدن دولت‌ها نوشته شده‌اند و حتی بیشتر آنها پس از اتمام دوره معین دولت‌ها شکل گرفته‌اند؛ چنین اتفاقی کاملاً درست و منطقی است؛ زیرا برای شناخت یک گفتمان باید آن را در بستر رویدادها و فرایندهای ارتباطی میان ارکان مختلف سیاست بررسی کرد؛ نه اینکه صرفاً در سخنرانی‌ها و خطابه‌ها و با شمارش تعداد کلمات به‌دنبال آن گشت و چهارچوب آن را متعین ساخت. آنچه امروزه در ایران و در غالب رسانه‌های جمعی نظیر مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی و حتی سخنرانی‌های برخی فعالان سیاسی گفتمان خوانده می‌شود، اغلب سوءتفاهم‌هایی از مفهوم گفتمان هستند که چون مبنای نظری مشخصی هم ندارند، غالباً نتایجی مبهم و نادرست به دست می‌دهند.

■ شکل گیری گفتمان‌های سیاسی در ایران

کسانی که قصد دارند به تحلیل گفتمانی بپردازند، نمی‌توانند بدون توجه به ارکان ارتباطی گفتمان که فرایندهای ارتباطی آن را شکل می‌دهند، دستاورد چندانی داشته باشند. بنابراین کسانی که قصد دارند گفتمان یک نهاد سیاسی همچون دولت را بشناسند، باید قبل از هرچیز متوجه باشند که چه دولتی را در کدام زمان و در چه شرایط اجتماعی می‌خواهند بررسی کنند. به‌طور مشخص برای تشخیص یک گفتمان باید به سه مورد مهم توجه کرد؛

۱) کاربرد زبان؛ منظور از کاربرد زبان تنها دقت به گفتار و تحلیل گفتارها نیست؛ بلکه ارتباطات، کنش متقابل و زبان نوشتاری و چاپی هم وجوه دیگری از زبان هستند. بنابراین صرفاً توجه به زبان محاوره یا گفت‌وگو را نمی‌توان راه تشخیص گفتمان و دال‌های گفتمانی دانست؛ بلکه وارد کردن متون نوشتاری در مفهوم گفتمان نیز مفید فایده است. در ایران تمام رؤسای جمهوری که روی کار آمده‌اند، سعی کرده‌اند با زبانی که برای مردم آشنا است با آنها سخن بگویند؛ حتی در برخی دوره‌ها که منش شخصی و سیاسی نامزدها با منش مورد تأیید جامعه متفاوت بوده، برخی نامزدها حداقل در ظاهر سعی کرده‌اند با تداعی مفاهیم و ایراد سخنرانی‌هایی، خود را به نامزد مورد پسند جامعه نزدیک کنند، هرچند که درواقع ممکن است به صحبت‌های ایراد شده خود اعتقاد چندانی نداشته باشند. بنابراین زبان عمومی را نمی‌توان در شناسایی و بررسی گفتمان نادیده گرفت.

> نگاهی به تحلیل های گفتمانی انجام شده در ارتباط با دولت های روی کار آمده در ایران نشان می دهد که این آثار عمدتا مدت زمان زیادی پس از روی کار آمدن دولت ها نوشته شده اند و حتی بیشتر آنها پس از اتمام دوره معین دولت ها شکل گرفته اند؛ چنین اتفاقی کاملا درست و منطقی است؛ زیرا برای شناخت یک گفتمان باید آن را در بستر رویدادها و فرایندهای ارتباطی میان ارکان مختلف سیاست بررسی نمود

۲) برقراری ارتباط میان باورها؛ زبان و مهارت‌های زبانی به منظور ایجاد ارتباط بین اندیشه‌ها و باورها و نیز بیان احساسات به کار گرفته می‌شوند. بنابراین یکی از وجوه مشخص هر گفتمان، ارتباطات میان اجزای مختلف گفتمان از درون و ارتباط آن گفتمان با سایر گفتمان‌ها در بیرون است. در ایران پس از انقلاب هر دولتی که روی کار آمده خود را پایبند به باورهای مردم نشان داده است. این باورها یکی دربردارنده باورهای ثبات اعتقادی مذهبی است و دیگری باورهای کوتاه‌مدت و مقطعی است که می‌توان آنها را بیشتر با کلمه «نگرش‌ها» توصیف کرد. این نگرش‌ها در بردارنده شیوه نگاه و انتظارات جامعه در هر مقطع زمانی مصادف با دولتِ روی کار آمده است.

۳) وجوه تعاملی؛ جنبه تعاملی گفتمان که عمدتاً در کاربردهای آن نمود پیدا می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. نامگذاری دولت‌ها که به‌طور مشخص، پس از روی کارآمدن آنها صورت گرفته به نوعی با وجوه تعاملی و کاربردی آنها مرتبط است. عبارات صفت‌گونه‌ای مانند سازندگی، اصلاحات، مهرورز و... که در نسبت با دولت‌های گذشته به کار می‌روند، به این معنا هستند که می‌توان فعالیت‌های آن دولت‌ها را در راستای چنین کلماتی توصیف کرد. اما یکی از اشتباهات رایجی که در این خصوص صورت می‌گیرد آن است که شعار دولت‌ها به اشتباه به جای گفتمان آنها جازده شده یا مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هرچند که شعار یک دولت با گفتمان آن بیگانه نیست و ارتباط دارد، اما شعار همان گفتمان نیست؛ بنابراین در به کار گرفتن هر کدام از عبارات صفت‌گونه ذکر شده به‌عنوان گفتمان، برای دولت‌های پیشین باید احتیاط فراوان به خرج داد. گفتمان یک دولت، هویت‌بخش به آن است و باید بتواند کلیت اقدامات آن دولت را تفسیر کند. بنابراین تا زمانی که اقدامات متعددی از دولت‌ها شکل نگرفته، نمی‌توان درباره مختصات گفتمان آنها قضاوتی پیشینی ترتیب داد.